

مجله زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال اول- پاییز و زمستان ۱۳۸۲

فرهنگ "مستخلص المعانی" یا "خلاصه مستخلص"

ولی الله ظفری

دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

در سال ۱۳۷۵ که مأمور تدریس در دانشگاه داکا "بنگلادش" بودم، در نسخه‌های خطی آن دانشگاه به فرهنگ قرآنی کوچکی به نام "مستخلص المعانی" برخورددم که دو نسخه از آن در کتابخانه "بنکی پور" هند و "اینديا آفیس" انگلستان وجود دارد. چیزی که بیش از همه در این فرهنگ جالب توجه است، وجود واژه‌های کهن فارسی است تا جایی که کهنگی آن را تا قرن پنجم و ششم پیش می‌برد. کتاب از نویسنده‌ای ناشناس است که از خود با واژه «ضعیف» یاد می‌کند و انگیزه پرداختن به آن را خواهش دوستان (غیر عرب زبان) که به علت غفلت در دوره جوانی به علوم دینی نپرداخته و نیازمند مطالعه در کلام آسمانی بودند، بیان می‌کند.

معانی قرآنی با کلماتی موجز و غیرمکرر از انتهای قرآن یعنی از سوره «الحمد و قل اعوذ برب الناس» آغاز و به سوره «بقره» پایان می‌پذیرد.

واژگان کلیدی: فرهنگ قرآنی، جواهر القرآن، لسان التنزیل

مقدمه

در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ خ. که به مدت یک سال و نیم از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، به عنوان استاد اعزامی مأمور تدریس زبان فارسی در دانشگاه داکا (بنگلادش) بودم، ضمن بررسی فهرست نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه مرکزی آن دانشگاه، فرهنگی قرآنی به نام "مستخلص المعانی" یا "حل لغات قرآنی" به شماره (DU/۹۱۵) توجهم را جلب کرد. با خواستن کتاب و دیدن آن شور و شوقم برای مطالعه آن افزون شد. کتاب در حجمی حدود یکصد و ده صفحه با خط نستعلیق متوسط، اما خوانا تحریر شده بود. اگر چه بعضی جاها موریانه خورده بود، ولی خوشبختانه قسمت‌های آسیب دیده بیشتر در حاشیه صفحه‌ها به چشم می‌خورد و متن نسبتاً سالم بود. در فهرست کتابخانه این چنین آمده بود:

کتاب در ۵۴ ورق (هر ورق حاوی دو صفحه) ۹/۵×۵/۵ اینچ، کاغذ دست‌ساز کرم خورده و خط نستعلیق متوسط، تاریخ تألیف (رو نوشت برداری) شعبان ۱۲۷۴ ه.ق / ۱۸۵۸ م. که به دست شخصی به نام "خان محمد - یا - جان محمد" صورت گرفته است.

"آته" آن را با شماره ۲۷۰۱ و "کرزون" با شماره ۳۴۶ به نام "خلاصه مستخلص" معرفی کرده‌اند و "استواری" هم اشاره‌ای بدان در کتابخانه "بنکی پور" هند به شماره ۱۱۶۴ و ۱۱۷۴ ج ۱۴ و نیز نسخه موجود در دانشگاه داکا دارد. در فهرست کتابهای چاپی آقای خانابا مشارم اشاره‌ای به چاپ سنگی این کتاب در سال ۱۸۶۶ م. می‌کند، (مشار، ۱۳۵۲، ج ۲: ۳۰۱۲) اما این کتاب کجاست؟ بنده نشانی از آن ندیدم "گر تو دیدی سلام ما را برسان".

در همان زمان که بنده در بنگلادش بودم، از طریق کتابخانه دانشگاه داکا، از کتابخانه "بنکی پور" هند تقاضای یک نسخه کپی از آن کتاب کردم، ولی گویا اولیای آن کتابخانه هم مانند دانشگاه داکا، به بهانه اینکه نباید ذخایر کتابخانه‌ها به یغما برود، درخواستم را اجابت نکردند. نتیجه این شد که بنده ساعتهای متوالی در کتابخانه مرکزی دانشگاه داکا مشغول دستنویسی از تنها نسخه موجود شدم.

نویسنده در آغاز کتاب، پس از حمد و ستایش رسول، به علت نگارش کتاب به خواهش خواستاران - که گویا شاگردان و مریدان وی بوده‌اند - پرداخته و گفته است:

"چون بعضی از اصحاب و فقهم الله تعالی در تحصیل علوم زبانی تقصیر کرده، در حال پیری رسیده در آرزو بودند که ایشان را از معانی قرآنی حظی کامل و نصیبی شامل بنوعی

بدست آید و به حیا بر کسی نمی خواندند، روزی التماس کردند که چاره نیست از آن که برای ما کتابی بیاری که به کتابهایی که کودکان می خوانند، احتیاجی نباشد و در معانی قرآن وقوفی کامل حاصل آید. چون چنین بود، اجابت کرده شد به جمع این کتاب با لغات و معانی قرآن موجز و مفید و غیرمکرر تا میزان ضبط کند و بعده این کتاب بخواند، او را به خواندن هیچ کتاب حاجت نباشد و در زبان عربی مستغنی گردد و از معانی قرآن هیچ بر روی پوشیده نگردد و نام این کتاب "مستخلص المعانی" کرده شد. التماس این ضعیف این است که چون این کتاب بر دست کسی آمد به فاتحه مدد نماید"

نویسنده همان طور که آورده شد، از خود به عنوان "ضعیف" یاد می کند و در پایان کتاب این چنین آمده است: "تحریر یافتہ عون اللہ تعالیٰ این نسخہ متبرکۃ مستخلص المعانی فی تاریخ شهر شعبان المبارک عشرون خمس سنۃ ۱۲۷۴ ہجری بہ دست خان محمد"

پس اگر نویسنده را "خان محمد" بدانیم و تاریخ نگارش کتاب را ۱۲۷۴، نسخه مربوط به صد و پنجاه می شود، و این با شیوه نگارش کتاب و لغات سره فارسی که گویای تألیف کتاب در حدود قرن ششم یا پیش از آن است - و در این باره دلایل خود را خواهم نگاشت - درست در نمی آید و یقین دارم که در قرن سیزدهم همین "خان محمد" نسخه را دستنویس کرده است. به علاوه در عبارت پایان کتاب سخنی از تألیف یا تصنیف کتاب نیست بلکه سخن از تحریر یا نوشتن است و مطمئناً کتاب در هندوستان نوشته نشده چه ادویہ "زنجبیل" را نویسنده ناشناخته است.

سبک نگارش کتاب چنین است که از سورہ مبارکہ "فاتحہ الکتاب" و قل اعوذ برب الفلق شروع می کند و ضمن پرداختن به مصدر، فعل ماضی، مضارع، امر و نہی هر فعل، سورہ را به پایان می برد و آن گاه به سورہ های دیگر می پردازد. در تمام سورہ هاشیوہ کلی برای روال است و به تدریج که پیش می رود، بخصوص در سورہ های مدنی از صورت های گوناگون یاد شده و نیز از تکرارها می کاهد تا جایی که در اواخر قرآن تنها به ذکر فعل ماضی و مصدر اکتفا می ورزد.

اما رونوشت نسخه موجود در «اینڈیا آفیس» انگلیس به نام «خلاصہ مستخلص» به وسیلہ آقای محمدامین رکنی از لندن برایم رسید، با آنکہ ناسخ خوش خط ولی کم سواد و از رموز علوم قرآنی بی خبر بوده است و حتی اغلاط املائی و صرفی و نحوی در دست نوشت وی دیده

می‌شود، با این حال در تصحیح واژه‌ها و افتادگیها و غلطخوانیها مرا یاری کرد. این نسخه در مقایسه با مستخلص المعانی داکا اندکی کوتاه‌تر شده است ولی روش هر دو نسخه یکی است «بدین ترتیب که لغات ۱۱۴ سوره قرآن را از انتهای قرآن به آغاز، سوره به سوره آورده و در برابر هر واژه معنی اصلی آن را قرار داده است، نه نام نویسنده مشخص است و نه تاریخی برای تألیف ذکر شده است، مؤلف تنها از خود با صفت «ضعیف» یاد می‌کند.»

در آغاز همان صفحه آمده است: «خلاصه مستخلص». از میرحسن میرصدر خوشنویس نویسنده شده، با مرکب سیاه نوشته شده.

نویسنده در پایان مقدمه به تغییر جزئی با نسخه داکا، می‌نویسد: «این کتاب «خلاصه مستخلص» کرده شد و التماس این ضعیف آنست که این کتاب بر دست کسی که آید بفاتحه مدد نماید تا مگر خدایتعالی این گناهکار را بدو بخشد. انشاءالله تعالی»

فرهنگ قرآنی دیگری که بر این نهج تألیف شده «لسان التنزیل» است از نویسنده‌ای ناشناس به گفته مصحح محترم آن استاد محقق - در قرن چهارم یا پنجم هجری این کتاب به وسیله استاد محقق در سال ۱۳۴۴خ، همراه با توضیحات مبسوط در بنگاه ترجمه و نشر کتاب چاپ شده است. کتاب اخیر همانند «مستخلص المعانی» از سوره حمد و سوره‌های مکی می‌آغازد و به معانی کلمات و ترکیبهای آیات می‌پردازد که در بیشتر موارد با معانی «مستخلص المعانی» همسویی دارد ولی در بعضی از معادلهای فارسی با نمونه‌هایی که از این دو فرهنگ عرضه خواهیم داشت. معانی «مستخلص المعانی» را کهنه‌تر می‌بینم و اگر تاریخ تألیف «لسان التنزیل» بنا بر حدس استاد محقق، قرن چهارم یا پنجم باشد، بنده تاریخ نگارش «مستخلص المعانی» را قرن چهارم یا همزمان با آن می‌دانم.

کتاب دیگری هم بدین روش به نام «المستخلص» یا «جواهر القرآن» در قرن هفتم به وسیله «محمدبن نصر البخاری» تألیف شده که شادروان دکتر «مهدی درخشان» در سال ۱۳۶۴خ. آن را تصحیح و در دانشگاه تهران به چاپ رسانده است.

سبک نگارش این کتاب هم به گونه همان دو کتاب یاد شده است. با این تفاوت که نویسنده از سوره بقره شروع می‌کند و اندک اندک از تکراریها می‌کاهد، به طوری که سوره‌های مکی هر یک با چند کلمه تمام می‌شود و این خود برای «المستخلص» نقص است و «مستخلص

المعانی" و "لسان التنزیل" را - با آغازیدن از سوره‌های مکی - امتیازی، چه آنان که در قرآن کریم مطالعه و غوری دارند، به خوبی می‌دانند که سوره‌های مکی از جهت ریشه‌یابی و شناخت خصوصیات صرفی و نحوی و نکته‌های بلاغی واژه‌ها و عبارات، به مراتب دشوارتر از سوره‌های مدنی است و نیاز به توضیح و شرح بیشتری دارند تا آیات مدنی، اما دلایل کهنگی کتاب "مستخلص المعانی" که خود گنجینه‌ایست از واژه‌های کهن فارسی در برابر کلمات عربی:

۱- مصدرها و فعلهای ماضی همه جا با پیش جزء "ب" آمده است. مانند:

الطحو: بگستردن (الشمس) - الصد: بگردانیدن (المنافقون) - الدفع: بجستن (الطارق) - الخلق: بیافریدن (خلق) - الرق: بیستن (الانبياء) - الشرب: بیاشامیدن (مطففين) - السعی: بشتافتن (اللیل) - الخیط: بدوختن (الاحزاب) - الایکاء: بگریانیدن (النجم) - ارسل: بفرستاد (الفیل) - آفلح: برست (الشمس) - تحسّون: بکشتید (آل عمران) - حتی مصدرهای مرکب هم از این قاعده بر کنار نیست: الحول: از جای بگشتن (الکھف). از درد نالیدن ...

۲- مصدرهای پیشوندی

الطغیان: بیفرمانی کردن (العلق) - الرد: بازگردانیدن (التین) - السور: بر بالا شدن، برشدن (ص) - السلک: بدرآوردن در چیزی (المدثر) - التکیس: بازگردانیدن (یس) - الطی: درپیچیدن (الزمر) - الاشراب: درخورانیدن (بقره)

۳- مصدرهای فعل متعدی قدیمی فارسی که امروز کمتر به کار می‌روند مانند:

النشئه: بلانیدن (زخرف) - السجی: ارامیدن (الضحی) - التحطی: خرامیدن (القیامه) - التفهیم: دریا بانیدن (۱۰). فهماندن (الانبياء) - الامطار: بارانیدن (الاحقاف) - الاماته: میرانیدن (عبس) - التعجیل: ستابانیدن (الفتح) - سنقرئک: زود باشد که بخواناییم ترا (الاعلی) - خواناییدن: وادار به خواندن کردن (۱۱) - الاساغت: گوارانیدن (ابراهیم)

۴- مصدرهای مرکب فارسی مانند:

الحنث: سوگند شکستن (ص) - الدبور: از پس درآمدن (المدثر) - الخبو: بمردن آتش (بنی اسرائیل) - الرکض: پای جنباندن (ص) - الرص: بنای استوار کردن (الصف) - الرجم: کشتن بسنگی (الدخان) - الجدال: بایکدیگر ستهیدن (المجادله) - التوفیق: ساز وادی کردن (هود) - النفث: از پلیدی بیرون آمدن (الحج)

۵- کاربرد واژه‌های کهن و انتخاب معادلهای زیبای فارسی در برابر واژگان عربی مانند:

اثیم: بزه‌مند (مطففین) - النحر: اشتر کشتن (الکوثر) - النزح: تباهی کردن (فصلت) - النصب: رنجه شدن (الم نشرح) - دابة الارض: مورچه سپید یا دیوک (موریانه) (۱۳) (السباء) - النوء: بگرانی خاستن (القصص) - الوزر: پناه جای (القیامه) - السراب: گوراب (عم) - الاکتیال: کم پیمایندگان و کم سنجیدگان (مطففین) - العنکبوت: جولاهک. المستقر: آرام جای (القیامه) - السجده و السجود: سر بر زمین نهادن (العلق) و

۶- کاربرد "مر" برای تأکید "را"، مانند:

للمصلین: مر نماز گزارندگان را (الماعون) - لكم: مر شما را (الکافرون) - ایاک: مرترا (فاتحة

الکتاب)

۷- در بعضی از کلمات "ابدال" وجود دارد مانند:

اللزوب: چفسیدن، بجای چسبیدن (الصفات) و خسته، به جای هسته و اسپ به جای اسب.

۸- اسم فاعل مرکب هیچ گاه مرخم نشده است:

المشركين: انبازآرندگان (الماعون) - المصلين: نماز گزارندگان (الماعون) - الخراص: دروغ

گوینده (الذاریات) - العاقر: نازاینده (مریم).

۹- دیگر از خصوصیات سبکی تکرارهاست:

الاقماح: سربلند کردن و چشم فراز کردن (۸ یس) - البغی: ستم کردن و بیفرمانی کردن (۲۰

الرحمن) - البوار: هلاک شدن و کاسد شدن (۱۲ الفتح) - الهون: آسان شدن و خوار شدن (۲۰

احقاف)

۱۰- یای حاصل مصدر یا مصدری در این فرهنگ کاربردی نداشته است و به جای آن از مصدر

کامل بهره گرفته، مانند:

النصیحه: نیک خواستن، به جای نیک خواهی (۱۲ القصص) - الاستغاثه: فریاد خواستن، به

جای فریاد خواهی (الانفال)

۱۱- حذف‌های غیرملفوظ در پیوستن به ها:

کاسها (به جای کاسه‌ها) - سینها (سینه‌ها).

۱۲- ابقای واو مجهول در کلماتی که بعداً حذف شد:

کودکان خورد، گناه خورد.

دوازده موردی که یاد شد، همه از مختصات کهن و قدیمی زبان فارسی است (خطیبی،

۱۳۶۶، ج ۱: ۱۳۳-۱۲۴)

اینک برای مقایسه معادلهای فارسی کاربردی در سه فرهنگ "مستخلص المعانی" و "لسان التنزیل" و "المستخلص" نمونه‌هایی در زیر می‌آوریم تا روشن شود که کدام یک قدمت بیشتری دارد:

| واژه | مستخلص المعانی | لسان التنزیل | المستخلص | سوره |
|-------------------|------------------|---------------------------|-----------------------|----------|
| شید | افراشته | برافراسته | استوار و بلند برآورده | المرسلات |
| الفرات | آب خوش | خوش | اعذب المیاء | المرسلات |
| البهیمه | ستور | هر چهارپای که در خشکی است | چهارپای | الحج |
| المعرفة و العرفان | بشناختن | شناختن | شناختن | المطففين |
| الهدهد | مرغ سلیمان | معروف | شانه بسر | النحل |
| همزات | چیز در دل افکندن | وسوسه‌ها | وسوسه | المؤمن |
| محراب | پیشگاه مسجد | جای عبادت بر بالا | جای امام مسجد | ص |
| الدخل | بداندرونی کردن | تباهی و خیانت | خیانت و تباهی | النحل |
| استخفاف | سبک داشتن | سبک داشتن و سبک گردانیدن | سبک گردانیدن | الزخرف |

نتیجه

چنانکه گفته شد، زمان تألیف "مستخلص المعانی" مشخص نیست ولی در مقایسه با "لسان التنزیل" که به گفته استاد دکتر محقق حدود قرن چهارم و پنجم تألیف شده، چنین استنباط می‌شود که شاید، با توجه به کهنگی واژه‌ها، همزمان و یا بیش از آن به رشته تحریر درآمده باشد، اگر چه نسخه دستنویس آن تاریخ ۱۲۷۴ هجری را توسط کاتبی به نام "خان محمد" نشان می‌دهد.

البته ممکن است گفته شود که نویسنده تحت تأثیر فرهنگها و تفسیرهای پیشین، خواسته است اثری تقلیدی بوجود آورد، و این محال است، چه به تصریح مؤلف که "چون بعضی از اصحاب روزی التماس کردند که چاره نیست از آنکه برای ما کتابی بیاوری که بخوانند

کتابهایی که کودکان می‌خوانند، احتیاجی نباشد و در معانی قرآن وقوفی حاصل آید "مصنف جهت استفاده یاران و معاصران از زبان رایج و عوام فهم - که از خصوصیات نثر دینی است - بهره گرفته است، نه کلماتی مربوط به دوران گذشته برای فاضل نمایی.

منابع و ارجاعات

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- برگل، یو.ا. (بی تا) ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۳- البخارایی، نصر بن احمد (۱۳۶۵) المستخلص. تصحیح مهدی درخشان، تهران: دانشگاه تهران..
- ۴- خطیبی، حسین (۱۳۶۶) فن نثر در ادب پارسی. ج اول، تهران: انتشارات زوار.
- ۵- مشار، خانابا (۱۳۵۲) فهرست کتابهای چاپی. ج ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۶- معین، محمد (۱۳۶۶) فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۷- مؤلف نامعلوم (۱۳۶۲) لسان التنزیل. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- 8-Cataloge of oriental manuscripts in the Decca university library. Part 1. persion urdu and Arabic manuscripts By Prof. Habibollah. No 313. Mostakhlaso lma ani
- 9-India office. Around: Mostakhlaso Eth No 2701.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی